

همه حق سخن دارند، مگر آنکه کاسه کوزه ها بر سرش شکسته می شود

# کودتای ۲۸ مرداد به نرخ روز درج.ا

بقیه است. مثلا اگر تا چند سال و یا حتی سال پیش رهبران موفقه اسلامی و فدائیان اسلام ملاحظه کرده و از بیم فاش شدن همسویی کامل آنها با مظفریقائی و تبلیغاتچی های دربار شاهنشاهی و شبکه انگلیسی - امریکائی "بدامن" مستقیم به مصدق و یا یاران او حمله نمی کردند، امسال چنین کردند. نه تنها چنین کردند، بلکه مصدق را عامل نفوذی جنبش نفت اعلام کردند! همین طیف، که در مجلس پنجم روز ملی شدن نفت را برای جلب رضایت و حمایت انگلستان لغو کردند، حالا که نمی توانند جنبش ملی دهه ۳۰ را انکار کنند، امسال برای دور زدن مصدق و مقابله با نفوذ او در میان نسل جدید کشور، با نفوذی اعلام کردن مصدق، آیت الله کاشانی را لیدر جنبش دهه ۳۰ معرفی کردند. حتی کودتاچیان که علیه انقلاب ۵۷ کودتای خزنه کرده اند، امسال در مقام توجیه کودتای ۲۸ مرداد هم در صحنه حاضر شدند. تا چه پیش آید در سال دیگر!!

با مرور نزدیک به ۳۰ مصاحبه و اظهار نظری که امسال در مطبوعات ایران، بمناسبت ۲۸ مرداد منتشر شد، خلاصه ای تهیه کرده ایم تا واقعیات بالا را به معرض نمایش بگذاریم:

## از بادامچیان شروع کنیم. دبیر اجرائی موفقه اسلامی

اسدالله بادامچیان عضو رهبری جمعیت موفقه اسلامی، از جمله افرادی که هر سال به مناسبت ۲۸ مرداد و به فراخور حال و هوای که بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی حاکم است تفسیرهایی پیرامون ۲۸ مرداد می کند. در دهه ۳۰ نوجوانی بسیار کم سن و سال باید بوده باشد، اما چنان صحبت می کند که گویی بیت آیت الله کاشانی در اختیارش بوده و با مصدق و نواب صفوی پالوده می خورده است!

امسال نیز به سراغ او که در دهه ۵۰ با مجاهدین خلق کار می کرده رفتند. او اینبار با توجه به طرح مسئله فراندوم در مجلس اسلامی ششم و لایحه اختیارات ریاست جمهوری که مجلس تصویب کرده و شورای نگهبان رد و همچنین برای ترساندن رهبر از کشیده شدن آجر از زیرپایش گفت: "فراندوم پیشنهادی از سوی مصدق برای تغییر حکومت شاه و انتقال آن به خودش بود."

این البته یک حقه بازی و قلب واقعیت است، چرا که مصدق مجلس پنجم را برای خاتمه دادن به کارشکنی عوامل دربار شاهنشاهی و انگلیس که با تقلب در انتخابات در مجلس جاسازی شده بودند منحل کرد و برای این انحلال هم مستقیما به مردم مراجعه کرد.

هر سال، در سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مطبوعات مقالات و مصاحبه هائی را منتشر می کنند و سیمای جمهوری اسلامی نیز میزگردهائی تشکیل می دهد. در این و یا آن مکان نیز اغلب جلساتی برای بحث و بررسی این رویداد تلخ و درعین حال بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران تشکیل می شود. در این بازار گرم اظهار نظر، که گاه به فضل فروشی نیز شبیه می شود از هر سن و سال و با هر دانش داشته و نداشته ای سخن گفته می شود و هر کس نیز از ظن خود دوست مردم و دشمن کودتا می شود. حزب توده ایران و سازمان نظامی آن، چاشنی همشگی در همه این بحث ها و اظهار نظرهاست و هیچکس از نقش و حضور آن در دهه ۳۰ نمی تواند عبور کند. در این زمینه نیز هرکس هرچه را به صلاح خود بداند و از آن غم انگیز تر "کسانی با کمترین مطالعه و آگاهی" به میدان درآمده و در باره نقش حزب توده ایران نیز سخن می گوید. در این بازار گرم، آنکه از سخن و نظر محروم است، اما نام و نقشش پیوسته مورد بحث خود حزب توده ایران و حتی بازماندگان رهبری این حزب در داخل کشور و یا اعضای این حزب در کوران رویدادهای ۲۸ مرداد است.

به این ترتیب، سالگرد کودتای ۲۸ مرداد، پیش از آنکه انگیزه ای شود برای آگاه سازی واقعی مردم از دلایل واقعی کودتای ۲۸ مرداد و درس هائی که مردم باید از آن بگیرند، زمینه ای می شود برای مغشوش شدن آن دلایل و انگیزه ها؛ بویژه در سیمای جمهوری اسلامی و از سوی بازماندگان فدائیان اسلامی در دهه منجر به کودتا و رهروان آن جمعیت ماجراجو و مشکوک به نفوذ سازمان های اطلاعاتی انگلستان در آن. آنجا که اندک شماری از واقع بین های سیاسی- مذهبی و یا حتی از میان ملیون واقعیاتی بیان می شود نیز اگر این واقع بینی ها در هیاهویی که جناح راست و ضد اصلاحات در نشریات و تلویزیون جمهوری اسلامی در ستیز با آن برپا می کند کمرنگ و کم تاثیر نشود، در جدال لفظی و قلمی دو جناح حاکم در نفی و یا تأیید این و یا آن گوشه از حوادث دهه ۳۰ از خاطر می رود. نکته جالب تر آنکه هر سال بنا بر شرایط سیاسی روز، توضیح حوادث دهه منجر به کودتای ۲۸ مرداد تغییر نیز می کند و برای مثال، کسی که سال پیش و یا چند سال پیش نکاتی را بعنوان نظرات و دیدگاه های خود در باره ۲۸ مرداد طرح کرده، امسال به مقتضای حوادث روز چیز دیگری می گوید. این تلون سیاسی- نظری طبعاً در میان وابستگانه به جناح راست مذهبی ایران بیش از

عضو جمعیت مؤتلفه اسلامی و عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت هم بمناسبت سالگرد ۲۸ مرداد عینا مطرح کرد. انبار لویی که از کادرهای جوان انجمن حجتیه در سالهای پیش از انقلاب است، با همان انگیزه سیاسی روز که بادمچیان سخن گفته بود و با طرح ضرورت یورش به جبهه مشارکت گفت: "مصدق يك نفوذی در نهضت ملی بود و نقش خود را در سرنگونی نهضت و تأمین منافع بیگانگان خوب ایفا کرد. او می‌خواست قهرمان بماند که با طراحی سرویس‌های بیگانگان، همان شد. او برای مقابله با کودتا، کوچکترین حرکتی نکرد. عوامل نفوذی را باید شناسایی کرد و از بدنه نظام دور کرد. کسانی که با نظرات شورای نگهبان مخالفند، می‌خواهند ورود عناصر نفوذی را در سیستم تضمین کنند تا حوادثی چون بیست و هشت مرداد را تکرار نمایند."

در واقع این هردو، در توجیه اقدامات کودتائی مؤتلفه اسلامی علیه اصلاحات و انقلاب ۵۷ همانگونه به مصدق کینه می‌ورزند که شاه و اسدالله علم کینه می‌ورزیدند. به همین دلیل باید دید شاه درباره مصدق چه می‌گفت و روی دیگر سکه ای که اسدالله بادمچیان در جیب دارد چیست. (مراجعه کنید به گزارشی که از خاطرات علم در این شماره منتشر شده است)

### مدیرانتخاب

حال ببینیم مدیرمسئول روزنامه انتخاب که میان دو صندلی اصلاحات و ضد اصلاحات نشسته چه می‌گوید: توطئه‌ی توامان آمریکا و انگلیس در به‌کارگیری عوامل داخلی و اوباش کشور به همراه جدایی پشوتانه دینی از دولت، موجب تنها ماندن مصدق شد. مردمی که حاضر بودند **به دلیل باورهای عمیق دینی** برای مصدق از جان خود بگذرند، با فاصله گرفتن دولت و مذهب، پا پس کشیدند. نباید سهم هیچ گروهی در جریان ملی شدن صنعت نفت نادیده گرفته شود. در ایران هرگاه دین و مذهب در صحنه‌ی سیاست حضور یافته و رهبران دینی، ضمن تعامل با روشنفکران و شناخت مقتضیات زمان، واقعیت‌های جامعه را درک کرده‌اند، نیروی عظیم مذهب، تأثیر عمیقی را بر سیاست بر جای گذاشته است.

### لباس شخصی‌ها و انصار حزب الله می‌فرمایند:

علی‌داری، قائم‌مقام دبیر کل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی: در طرح آژاکس که در سایه آن کودتا محقق گردید، عملیات روانی، تحریک افکار عمومی، بسیج گروه‌های هنری، تکثیر نشریات و مطبوعات، گسترش شایعات، تهدید، تطمیع و ارباب در صدر اقدامات کودتاگران بود. آمریکایی‌ها با تصویب بودجه، حمایت از زاهدی، تطمیع برخی نمایندگان وقت مجلس و نیز حضور در برخی مطبوعات کار خود را پیش بردند، در واقع این نفوذی‌ها نقش ستون پنجم را ایفا کردند و ضربه محکمی به نهضت ملی زدند، اتفاقاً یکی از مصادیق بارز اشتباهات بارز مصدق، اعتماد به برخی از همین نفوذی‌ها و به‌کارگیری آنها در عرصه‌های مختلف بود.

### دو کلام هم از یک مورخ از راه رسیده

ناصر نجمی، مورخ می‌گوید: از آنجا که حزب توده برای منافع خودش کار می‌کرد، منتظر بود که انگلیسی‌ها فاتح

بادمچیان در همین گفتگو که با خبرگزاری ایلنا انجام شد، سوابق مبارزاتی خود را به دهه ۳۰ برده، که جوانی کم سن و سال تر از سعید عسگر (مامور ترور حجابیان) و شاید کم سن و سال تر از عبدخدائی (ضارب دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه مصدق و دبیرکل کنونی فدائیان اسلام در آن دهه) بوده است.

او اشاره ای به دوران بلوغ سنی و سیاسی خود که در سازمان مجاهدین خلق طی شده نکرد، درحالی‌که او در همین رابطه زندانی شد و پس از تشکیل حزب رستاخیز با شرکت در مراسم سپاس آریامهر در تلویزیون شاهنشاهی از زندان بیرون آمد.

بادمچیان درباره کودتای ۲۸ مرداد و دکتر مصدق چیزهای عجیب و غریبی گفت که همگی به نرخ حوادث روز ایران بود. او گفت: "کاشانی معتقد بود که چرا با زندان افکندن افراد مذهبی مثل فدائیان اسلام و با دستگیری رهبران این افراد، جنبش را معطل نگه می‌دارد." (او در واقع به خاتمی نمی‌گوید چرا گنجی زندانی است، می‌گوید چرا سعید عسگر زندانی است؟)

همه آنها که تاریخ معاصر ایران را خوانده اند و یا شاهد آن بوده اند که می‌دانند اساساً در آن سالها چنین چیزی که بادمچیان مطرح می‌کند مطرح نبوده است و این یک تر "من درآوردم" برای مخالفت با دستگیری انواع سعید عسگر و یا مجریان قتل‌های زنجیره ای بیش نیست!

بادمچیان که خود به فراخور درگیری‌های روز با دولت و اصلاحات، با رفراندوم و اختیارات ریاست جمهوری در این مصاحبه مخالفت کرده، در برابر سؤال خبرنگار ایلنا که اشاره به نیمه دیگر سکه حوادث روز کرده و در باره گروه‌های خود سر در زمان مصدق می‌پرسد، با انکار دارودسته مظفربقائی، پان ایرانیست‌ها و تیم‌های ترور نواب صفوی می‌گوید: "اساساً در آن زمان ما گروه خودسر نداشتیم. نباید موضع‌گیری‌های خاص تاریخی را به موضوع روز تبدیل کرد و از آن استفاده کرد. درخواست مصدق در آن زمان برای انحلال مجلس، به رسمیت شناختن رفراندوم و برگزاری آن برای دومین بار بود."

بادمچیان آشکارا نامه تبریک کاشانی به سپهبد زاهدی کودتاچی را انکار کرده و مدعی می‌شود: کاشانی با نامه به مصدق از کودتا خبر داده بود. (این نامه مربوط به خیز کودتائی ۲۵ مرداد است و نه کودتای ۲۸ مرداد) کاشانی تا آخرین لحظات همراه مصدق بود و مشکل بزرگ در کودتای ۲۸ مرداد تأکید بیش از حد مصدق بر ملی‌گرایی بود."

بادمچیان در مصاحبه امسال خود ادعای عجیب دیگری را هم مطرح کرد. او گفت: "مصدق يك نفوذی در نهضت ملی بود و نقش خود را در سرنگونی نهضت و تأمین منافع بیگانگان خوب ایفا کرد. او می‌خواست قهرمان بماند که با طراحی سرویس‌های بیگانگان، همان شد!" (در این ارتباط مراجعه کنید به خاطرات علم در همین شماره راه توده)

### مصدق نفوذی بود!

این نظر بادمچیان را، که ظاهراً امسال طرح آن در دستور روز مخالفان اصلاحات بوده، محمد کاظم انبارلویی

به جنبش پیوسته بودند؟ برای نماز و روزه و یا برای ملی کردن نفت و دفاع از هویت ملی خویش؟

### بالاخره ملیون واقیعت را خواهند پذیرفت؟

پرویز ورجاوند نیز با تحلیلی که ۵۰ سال قدمت دارد، کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ در ایران را نتیجه اشتراک انگلستان و آمریکا و نیز تقاضای ضمنی و سکوت اتحاد جماهیر شوروی معرفی کرد و گفت: پس از روی کار آمدن دولت دکتر مصدق در ایران، عوامل وابسته به دستگاه دربار، فراماسونری و تمامی جریان‌های چپ وابسته به روسیه، همگی رودرروی منافع ملت ایران قرار گرفتند، در نتیجه قدرت‌های استعماری به راحتی توانستند از وجود چنین عواملی که منافع خود را در سامان نیافتن يك دولت ملی و در نتیجه قانونمند نشدن جامعه می‌دیدند، نهایت بهره را ببرند. يك دلخوری میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق بود که متأسفانه پیامدهایی در پی داشت. از سوی دیگر، حزب توده که گروه متشکلی بود نیز با کارشکنی‌ها و برخوردهای پی در پی و ایجاد حرکت‌های میدانی توانست جامعه را در موقعیتی قرار دهد که مردم به شدت نگران باشند و به‌طور کلی، جامعه را از حالت آرام و یکپارچه خود خارج سازند، در نتیجه زمینه لازم برای انجام کودتا و غافلگیری مردم فراهم شد. (توجه می‌کنید که هیچ صحبتی از بقای و حزب زحمتکش و یا حزب ایران و احزاب جبهه ملی و از همه مهم‌تر ترکیب کابینه و دولت که عملاً قدرت دست آنها بود و نه دست حزب توده ایران در میان نیست. پس از ۵۰ سال هنوز ملیون نتوانسته و نخواسته اند بپذیرند که قدرت و دولت را در اختیار داشتند و اشتباه و تغلل کردند. مدام بحران را پاس می‌دهند به خیابان‌ها و تظاهرات توده‌ای‌ها و یا تغلل توده‌ای‌ها برای کودتای نظامی علیه کودتای دربار شاهنشاهی. امری که نه ممکن بود، نه در توان حزب توده ایران و نه اساساً در برنامه این حزب. قیام مردم و کمک نظامی‌های توده‌ای در نظر بود که در این زمینه مصدق و ملیون بزرگترین تغلل را کردند. هیچیک از ملیون تاکنون نه گفته و نه نوشته‌اند که چرا بلافاصله با آغاز کودتا دولت و کابینه تشکیل جلسه اضطراری نداد؟)

### فرمانده محافظان دکتر مصدق می‌گوید

به آقای ورجاوند شاید بهتر باشد توصیه کنیم؛ تحلیل تیمسار عزت‌الله ممتاز، فرمانده مدافعین منزل دکتر مصدق را با دقت و صداقت بخواند. او می‌نویسد: "همه اطرافیان مصدق رفتند. به آنها می‌گفتم که چه شد؟ هر کسی يك حرفی می‌زد و همه می‌ترسیدند اعدام شوند."

### وکیل دکتر مصدق در دادگاه

به بادامچیان و آن محقق‌ی که رویای تشکیل سپاه پاسداران در سال ۳۰-۳۲ را می‌بیند این واقیعت را هم نه به قلم توده‌ای‌ها، بلکه به قلم و زبان جلیل بزرگمهر، وکیل مدافع دکتر مصدق در دادگاه نظامی باید گفت بخوانند و با اوضاع کنونی کشور و مسیری که در راه تمرکز قوای نظامی در بیت رهبری و در دست رهبر طی شده و عملیات کودتائی ۶ سال اخیر علیه دولت خاتمی می‌شود مقایسه کنند: "رضاخان در نخست‌وزیری و در فرماندهی کل قوا، ارتش، حامی اش بود. محمدرضا نیز با دادن منصب و درجه، ارتش را پشت سر خود داشت..."

شوند. چون فقط با آمریکایی‌ها بد بودند. این بود که حتی دست از پا خطا نکردند. حتی فرستنده رادیو در بی‌سیم، به کیانوری تلفن می‌کند که اینها در چنگال ما هستند. با تانک آمده‌اند تا ما را بگیرند. اجازه می‌دهید ما دفاع کنیم؟ وی جواب نمی‌دهد. سپس زاهدی در همان تانک می‌نشیند و میراشرافی از پشت میکروفون فریاد می‌زند که کودتا موفق شد، توده‌ای‌ها ۷۰۰ افسر داشتند، اگر می‌خواستند کاری کنند حتماً می‌کردند ولی کیانوری می‌گفت که کاری نداشته باشید. توده‌ای‌ها در شب‌های ۲۶، ۲۷ و ۲۸ مردادماه، شلوغ می‌کردند و شعار می‌دادند که به قول خود مصدق، آنها توده‌ای نفتی و عامل انگلیس بودند، منتها می‌خواستند شلوغ کنند تا دکتر مصدق را متزلزل نمایند.

مورخی با این نبوغ و اطلاع از گذشته و حال و هوای آن زمان، نقش درباره و بنیانگذاری ارتش شاهنشاهی، در پایین هم در توجیه عملیات لباس شخصی‌ها و انصار حزب الله و بسیج و سپاه می‌فرماید:

همان‌طور که سپاه پاسداران پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد، اگر عده‌ای هم فدایی مصدق بودند، ممکن بود کودتا شکست بخورد. مصدق اتکایش به ملت بود ولی می‌گفت احتیاجی نیست ۱۰ هزار تا فدایی جمع کنیم. چرا که خود مردم جلوی کودتا را می‌گیرند. مصدق يك اشتباه کرد و آن این بود که اگر ۱۰ هزار نفر مسلح را آماده کرده بود، کودتا شکل نمی‌گرفت. (این مورخ منورالفکر یا فراموش کرده و یا زمان انقلاب اگر سن و سالی درخور هم داشته در خانه اش بوده و به خاطر ندارد که ۱۹ بهمن که هنوز ارتش شاهنشاهی سقوط نکرده بود، وقتی اعلام حکومت نظامی شد، آیت‌الله خمینی به مردم گفت به خانه نروید و در خیابان‌ها بمانید و کودتا را خنثی کنید!- حداقل به این نوع مورخین باید توصیه کرد تاریخ همین انقلاب را خوب بخوانید، تاریخ جنبش دهه ۳۰ پیشکشان!)

### اسناد دست این نابغه است!

غلامرضا وطن‌دوست، مولف کتاب اسناد سازمان سیا و اسناد تاریخ دانشگاه شیراز می‌گوید:

در واقع کودتای ۲۸ مرداد تصادفی بود، چرا که آمریکا و انگلیس احساس می‌کردند دیگر نمی‌توانند موفق شوند. اما در نهایت، پولی که از طرف سیا خرج و بین اوباش پخش شده بود کار خود را کرد و آن برنامه، علی‌رغم ناامیدی انگلیس و آمریکا در ۲۷ مرداد پیاده شد، اوباش و ارتشی‌هایی هم که اجیر شده بودند، میدان را در دست گرفتند. حتی توده‌ای‌ها نیز که به طرفداری از مصدق تظاهرات کردند، این تظاهرات به نفع نیروهای مخالف مصدق تمام شد.

### یک بخش دیگر اسناد هم دست این یکی نابغه است

محسن بهشتی‌سرشت، عضو هیات علمی پژوهشکده امام‌خمینی (ره) می‌گوید: بعد از دهه ۱۳۲۰ روحانیت به رهبری آیت‌الله کاشانی و جناح ملی به رهبری دکتر مصدق، اتحاد بزرگی را به وجود آوردند که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و حتی شاه را به عقب راند. (آنچه در ارزیابی این مورخ جای ندارد جنبش اجتماعی مردم است و بنا بر نوشته او- سندیکا‌های کارگری و اتحادیه‌های دهقانی و تشکل‌های آنها که هیچ-حالی معلوم نیست مردم مورد نظر او، اساساً با چه انگیزه‌ای